

مرگ در آثار عطار نیشابوری

مولفان

کامران پاشایی فخری - پروانه عابد زاده
(اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز)

اعظم شاهمرادی

صفحه	فهرست
۴	مقدمه
۹	اهداف تحقیق
۱۰	فرضیه‌های تحقیق
۱۰	پیشینه‌ی تحقیق
۱۰	محدودیت‌های تحقیق
۱۰	روش کار
۱۱	پیش‌گفتار ۱
۱۱	معرفی عطار و آثار او
۱۱	منطق الطیر
۱۲	الهی نامه
۱۳	مصیبت نامه
۱۳	مختار نامه
۱۳	اسرار نامه
۱۳	خسرون نامه
۱۵	پیش‌گفتار
۱۷	معرفی اروین یالوم و آثار او
۱۷	روان درمانی اگزیستانسیال
۱۸	مآمان و معنای زندگی
۱۹	درمان شوپنهاور
۲۰	و نیچه گریه کرد
۲۱	خبره به خورشید
۲۱	ماهیت روان درمان‌گری
۲۲	بخش یکم: درباره‌ی رابطه‌ی بیمار - درمانگر است با تأکید خاص بر این‌جا و اکنون
۲۲	فصل یکم: بررسی دیدگاه‌های عطار و یالوم و تطبیق نظریات آن‌ها
۲۳	اجتناب ناپذیری مرگ
۲۴	ترس از مرگ
۴۳	

- ۴۶ مرگ با شادی همراه باشد، لذت بخش است
- ۴۸ غفلت و ترس از مرگ
- ۵۱ حرص و طمع و ترس از مرگ
- ۵۵ ایمان و ترس از مرگ
- ۶۳ ترس از مرگ و به دنبال آب حیات بودن
- ۶۵ ظلم و ترس از مرگ
- ۶۸ تلخی مرگ
- ۷۲ تصور استثنایی بودن و مرگ
- ۷۴ مرگ هر کسی بازتاب زندگی اوست
- ۸۳ مرگ اسان یا بی توجهی به دنیا (عاشق شدن به ظواهر)
- ۸۶ درمان مرگ سرگ است
- ۸۸ اشتیاق به مرگ
- ۹۳ مرگ دیگران را به یاد مرگ خودمان می اندازد
- ۹۶ رنگ رخساره و مرگ
- ۹۸ مرگ، سرپوشی طالبی
- ۹۸ مرگ و بی برگی و ترس
- ۱۰۱ حقیقت مرگ (وجود و عدم)
- ۱۰۶ اغتنام فرصت و مرگ
- ۱۱۲ دل بستن به دنیا نشانه‌ی دل مردگی است
- ۱۱۲ تسلیم در برابر مرگ
- ۱۱۴ زندگی رضایت بخش و نبودن ترس مرگ عین زندگانی است
- ۱۱۶ مرگ عین زندگانی است
- ۱۱۶ رنگ مرگ
- ۱۱۷ فصل دوم: رسیدن به جاودانگی و بقا
- ۱۲۱ صفای روح
- ۱۲۱ اعراض از نفس
- ۱۲۳ توکل کردن و فنا شدن
- ۱۳۲ قناعت و خرسندی
- ۱۳۳ پاک باختگی و پاک بازی (فناپذیری)

۱۳۴	قبیل از اجل مردن
۱۴۳	فنا شدن در تجلی یار
۱۴۹	فناى بقا و بقای فنا
۱۵۴	تفاوت دو دیدگاه
۱۶۰	مرگ و خداوند
۱۶۰	ترس از حضور در بارگاه الهی
۱۶۰	استغناى الهی و مرگ
۱۶۱	نتایج
۱۶۴	فهرست منابع
۱۷۰	

مقدمه

شاهکارهای ادبی را نه می‌توان خلاصه کرد و نه به زبان دیگری جز به زبان آفریدگار اصلی آن بیان داشت. با مطالعه اشعار عطار، هزاران نکته باریک‌تر از مو در مورد معرفت، الهیات و انسان‌شناسی می‌توان آموخت. نکته‌هایی که در هیچ اثر عرفانی دیگر نمی‌توان یافت. در هر مذهبی یک رشته عقاید خاص نسبت به جهان پس از مرگ وجود دارد که درساختمان ذهنی و جهت اصلی اندیشه‌های معتقدان به آن تأثیر دارد و همواره خیال و تفکرشان را به آن سو می‌کشاند.

اصولاً ادبیات همان‌طور که به زندگی انسان می‌پردازد مرگ او را هم منعکس می‌کند. خصوصاً مرگ در آثار ادبی عمدتاً به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم دیده می‌شود. در نوع اول تم یا موضوع مرگ وجه غالب اثر را تشکیل می‌دهد و در نوع دوم مرگ نقش محوری ندارد ولی آثار آن به‌طور هم می‌خورد. از سوی دیگر رابطه میان خلاقیت و مرگ نیز رابطه‌ای است که از بعد روان‌شناختی مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. به عبارت دیگر خلاقیت ادبی نیز اصالتاً از پلش انسان با مرگ حاصل می‌شود و در نظریه‌های نقد ادبی نیز موضوع مرگ به اشکال گوناگون دیده می‌شود.

یقینی‌ترین حقیقت زندگی ما مرگ است. انسان موجودی است که می‌میرد و شاید همین امر سبب شده است که تمدن عظیم انسانی بنا شود «همان‌گونه که فروید گفته است اجتماع انسانی اولیه و مولکول‌ها زندگی اجتماعی را به دلیل ترس از مرگ شکل گرفته است: انسان‌های نخستین از ترس جدایی و آن چه در آن‌ها کمین کرده، گرد هم آمدند و به هم نزدیک شدند.» (روان‌درمانی اگزستانسیال، ۱۰۶: ۷۱-۷۰)

مرگ‌آگاهی، مرگ‌اندیشی، وجود یا عدم زندگی پس از مرگ و مرگ‌هراسی همواره در ادبیات و فلسفه و روان‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است.

از آن‌جا که مرگ و مردن مشغله ذهنی و چالش اساسی انسان از ابتدای حیات او بوده طبیعی است که انعکاس این مشغله و چالش در حیات ادبی اقوام و کشورهای گوناگون نیز به چشم می‌خورد. حجم قابل ملاحظه‌ای از اسطوره‌های شناخته شده باستانی و نیز اسطوره‌های اقوام و قبایل بدوی به موضوع مرگ مربوط می‌شود، مانند افسانه‌های مصری و داستان‌های قبایل آفریقایی. بسیاری از این اسطوره‌ها از صبغه ادبی

برخوردارند و برخی از آن‌ها مانند حماسه گیل گمیش به مثابه یک اثر ادبی خوانده می‌شوند.

روان‌شناسی و ادبیات بی‌شک رابطه‌ی تنگاتنگی با یک‌دیگر دارند، یکی از این جهت که هر متن ادبی، زاده‌ی یک ذهن خلاق و به نوعی یک آفرینش است که از درون و ذهن آفریننده‌اش برآمده است. پس، می‌تواند منبعث و ملهم و منتج از نفسانیات ذهنیات و همین‌طور حالات روانی نویسنده یا شاعرش باشد. دیگر آن که هر متن ادبی به‌واسطه داستان، متشکل از قهرمان و دیگر شخصیت‌ها می‌باشد و بسیاری از منتقدان حتی سبک‌شناسان معتقدند که قهرمان اصلی داستان انعکاس و برآیندی از زندگی خود نویسنده است. پس در بسیاری از آثار ادبی می‌توان از طریق اثر، نقبی به زندگی و روان‌دایب زد. سه دیگر آن که اگر یکی از ویژگی‌های اثر ادبی را، ایجاد انفعال نفسانی، مخاطب بدائین، بانی روان، یک اثر ادبی بر مخاطبان‌اش هم پیوند نزدیک روان‌شناسی ادبیات را نشان می‌دهد.

اگرستانسیالیسم به شکل تحلیل وجودی به قلمرو روان‌شناسی روان‌پزشکی وارد شده و توسط ما این مکانی مانند ویکتور فرانکل، رالومی و اروین یالور مورد مطالعه قرار گرفته است. فرانکل از آزادی و مسئولیت انسان در برابر مرگ که ناشی از فناپذیری است سخن می‌گوید و اراده به خوب به معنا را منبع اولیه انگیزش انسان عامل تحقق تجربه وجودی او می‌داند. یالوم ز «مور، غایب»^۱ که عبارت‌اند از مرگ، آزادی، انزوا و بی‌معنایی سخن می‌راند که مواجهه فرد با آن مستلزم تعارضات درونی او تشکیل می‌دهد و رویارویی انسان با آن‌ها موجب اضطراب، برانگیختن ساختارهای دفاع می‌شود، لذا از لحاظ علمی و بالینی قابل استفاده در روان‌درمانجی بیماران است.

در اروپا و ایالات متحده آمریکا توجه به مرگ و مردن و مباحث نظری مرگ‌شناسی گسترش زیادی یافته است. در بسیاری از مؤسسات علمی دوره‌ها مرگ‌شناسی تدریس می‌شود و در چند کالج در این زمینه مدرک دانشگاهی داده می‌شود. هزاران مقاله و صدها کتاب در این مورد تألیف شده و پیوسته مباحث نوین اضافه و مطرح می‌شود. کنفرانس‌ها و سمینارهای علمی زیادی نیز برگزار می‌گردد.

لحاظ علمی هم در سطح جامعه از لحاظ آموزش عمومی مرگ و هم از جهت استفاده از رویکردهای مرگ‌شناسانه در نهادهای درمانی اقدامات وسیعی صورت گرفته است.

لکن در کشور ایران پژوهشی در این زمینه انجام نگرفته است، هدف پژوهش حاضر، پر کردن خلأ ملموس در تحقیقات دانشگاهی است.

هم‌چنین یکی از اهداف کاربردی این پایان‌نامه، ارائه و توضیح رویکردهای مواجهه با مرگ و مرگ‌هراسی از دیدگاه عطار نیشابوری و دکتر اروین یالوم روان‌پزشک معاصر می‌باشد. بر این اساس ابتدا در اشعار عطار و سپس در آثار اروین یالوم مطالعاتی انجام گرفت و شواهدی تهیه گردید.

سپس این شواهد بر اساس دیدگاه‌های عطار و یالوم تا حد امکان تطبیق داده شد و نتایج حاصل از دو طریق مقایسه ذکر گردیده است. به جهت این‌که روان‌شناسی معاصر به کشف و عیاق در لایه‌های ذهن انسان‌ها اصرار دارد، و آن قدر اهتمام می‌ورزد، پس چرا باید از بررسی ترس از مرگ و مسئله مرگ روی‌گردان شود. بنابراین محقق بر خود لازم دانست به بحال این موضوع که ریشه در اعتقادات ما دارد و همواره ذهن انسان‌ها را به خود متوجه می‌کند مطالعاتی را با ارشادات بی‌شائبه استادان محترم راهنما و مشاوران، به فعل درآورد قابل ذکر است موضوع این رساله بنا به پیشنهاد و راهنمایی استاد محترم جناب آقای دکتر پاشایی فخری انتخاب شد و بنده نیز با توجه به علاقه شخصی، تحقیق را بر حسب ضرورتی که تبیین شده بود، شروع کردم. شاید که این تحقیق جرقه‌ای باشد برای سالکان طریقی، تا ادبیات را از مناظر متفاوت و دگرگونه ببینند و نیز الگویی باشد برای انجام تحقیقات علمی دانش‌آموختگان روان‌شناسی و ادبیات فارسی، چون قبلاً در مورد عطار از منظر روان‌شناسی هیچ‌گونه تحقیقی انجام نگرفته است.

شایان ذکر است در تهیه این پایان‌نامه سختی‌هایی وجود داشت از جمله :

۱ - نا‌آشنایی به علم روان‌شناسی مخصوصاً روان‌شناسی معاصر و شیوه‌ی جدید روان‌درمان‌گری اروین یالوم

۲ - عدم دسترسی به برخی آثار، نبودن شرح و توضیحات دیوان و مختارنامه، وجود سه نسخه از دیوان عطار و مطالعه هر سه نسخه، که با انتخاب استاد

راهنما از نسخه بدیع الزمان فروزانفر استفاده گردید. کمیاب بودن خسرونامه عطار (البته بدون شرح وتوضیحات) که پس از مراجعات متعدد از کتابخانه مرکزی تبریز تهیه گردید.

چون این تحقیق برای نخستین بار و بدون هیچ پیشینه‌ای تهیه شده است، لذتی دلپذیر از ثبت آن رخ داده که مرهون دیدگاه همیشه ژرف استاد محترم راهنما می‌باشد. امید است مطالعه کنندگان این پایان نامه به این مفهوم آگاهی یابند و به این باور برسند که: خود مرگ با این که ویرانگر زندگی جسمانی است، اندیشه‌ی مرگ نجات بخش است.

باید یادآور شد در این رساله معانی متعدد مرگ با استفاده از فرهنگ‌های متفاوت، مورد تفحص قرار گرفته است. البته همه‌ی این موارد در لغت‌نامه‌ی دهخدا جمع گردیده است.

مرگ: [م] [ا] اسم از مردن مردن. (برهان) (آندراج).

باطل شدن قوت حیوانی و حرارت غریزی. (ذخیره خوارزم‌شاهی).

فنا‌ی حیات و نیست شدن زندگان. ویرت و وفات اجل. (ناظم الاطباء).

از گیتی رفتن. مقابل زندگی و محیا. درگذشت فوت. کام. هوش. منیت. میت. وفات. ابویحیی. اجل. (دستوراللغه).

در پایان به صورت اجمالی نحوه کار و هدف از این تحقیق بیان می‌گردد. محقق پس از سعی فراوان در تهیه‌ی شش کتاب از جنس یالوم (دو کتاب در قالب رمان و چهار کتاب در زمینه‌ی روان‌درمانی) جزئیات آن‌ها را دقیقاً مورد مطالعه و بررسی قرار داد. یالوم به عنوان یک روان‌پزشک و گاه به عنوان یک نویسنده از طریق ادبیات و شیوه‌ی داستان‌پردازی دنیای درونی بیمار راه‌کارهایی برای بیماران و روان‌درمان‌گران ارائه می‌دهد. دشواری‌هایی در برخی از اصطلاحات پزشکی و بیماری‌ها پیش می‌آمد که خوش‌بختانه به کمک همسرم دکتر محمد عبدالهی، حل و قابل فهم می‌شد.

تأکید یالوم در این کتاب‌ها بیش‌تر بر اساس گروه‌درمانی و روان‌درمانی وجودی یا هستی‌گرا می‌باشد.

(۱) گروه‌درمانی بر اساس نظریه‌ی روابط بین‌فردی و ایجاد ارتباط معنادار و صبورانه، شناخت دیگر اعضا و در نهایت دوستی و رسیدن به نمونه‌ی کوچک اجتماع و بالاخره رو در رو شدن با مشکلات یا حل آن‌ها، کار می‌کند.

(۲) در درمان هستی‌گرا، به بررسی اضطراب ناشی از حقایق ناآزموده هستی که انسان‌ها از آن رنج می‌برند، می‌پردازد. این که انسان میراست، با مرگ اجتناب‌ناپذیر رو به رو می‌شود، تنها به دنیا می‌آید، تنها می‌میرد، خداوند، زندگی ما و شکل واقعیت آن را از پیش طراحی کرده است، این که انسان‌ها به دلیل سرشت خود، مخلوقاتی هستند که از بخت بد به رزون دنیایی، بدون هیچ‌گونه معنای ذاتی پرتاب شده است. بنابر این خود باید برای آن معنا بسازد، معنایی آن قدر قوی که پشتیبان زندگی باشد.

پاسخ‌هایی که به پرسش‌های یالوم داده می‌شود، دیدگاه او را نسبت به مرگ، نشان

می‌دهد.

(۱) چگونه خوب زیستن، غایب بر مرگ.

(۲) مرگ یک حقیقت است و آخرین حطی زندگی نیست.

(۳) شناخت مرگ شوق می‌آورد و زندگی فرد را تغییر می‌دهد و آن را به مرتبه‌ی اصیل‌تری رهنمون می‌شود.

(۴) تاریخ خود شرح رفتار انسان با مرگ است.

(۵) اجتماع بشری به خاطر ترس از مرگ به وجود آمده است.

در واقع همان دیدگاه اگزیستانسیال که تعارض حاصل رویایی فرد با مسلمات هستی، همان دلواپسی‌های غایی مسلم است، ویژگی‌های درونی، فقهی و مسلمی که بخش‌گیرناپذیری از هستی انسان در جهان آفرینش هستند.

نویسنده‌ی رساله پس از اشراف به نگرش یالوم، بعید دانست که در امر عطار پیشه و عارفی چون عطار، که مرگ اختیاری را از نزدیک مشاهده کرده بود از مسئله‌ی مرگ بی‌تفاوت بگذرد. شاعری که به تعالی روح، جاودانگی و فنا شدن و بقا یافتن اعتقاد دارد. لذا راغب گردید اشعار عطار را موشکافانه و از منظری جدید مورد مطالعه قرار دهد.